

بررسی عدم النفع در دعاوی خسارت مالی و معنوی ناشی از جرم با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

سید محمد رضا موسوی فرد؛ حبیب الله ذوالفقاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۲

چکیده

زندگی پیچیده اجتماعی روابط حقوقی مختلفی را پدید می آورد. از جمله این روابط، مسؤولیت حقوقی یک شخص در برابر شخص دیگر است. مسؤولیت فوق گاه در نتیجه تخلف از ایفای تعهد قراردادی به وجود می آید و گاه به صرف خسارتی که شخص به دیگری وارد کرده است، مطرح می شود. ضرری که در نتیجه فعل یا ترک فعل زیان آور به شخص وارد می شود ممکن است مادی یا معنوی باشد. ضرر مادی نیز خود بر دو قسم است: از دست دادن مال یا محروم ماندن از نفع که بیشتر تحت عنوان «عدم النفع» مورد بحث واقع می شود و از اهمیت بسزایی برخوردار است. دلیل این اهمیت آن است که اگر چه این دسته از خسارات بخش وسیعی از ضررهای وارده بر شخص را تشکیل می دهند، اما از یک سو در قابلیت مطالبه آن مباحث فراوانی وجود دارد و از سوی دیگر قانون گذار در برهه های زمانی مختلف واکنش های متعددی را در برابر آن ابراز کرده است. بر این اساس و با توجه به اینکه پیرامون عدم النفع مسائل متعددی قابل طرح است که در عرصه قوانین به آنها اشاره نشده است، از جمله اقسام عدم النفع، تفکیک آن از تفویض منفعت و نظایر آن، در تحقیق حاضر سعی شده است مهم ترین مباحث شکافته شود و مورد تحلیل علمی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: عدم النفع، خسارت معنوی، خسارت مادی، ضرر.

^۱ عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

^۲ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

مقدمه

مقاله حاضر به بررسی خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ می پردازد. این مقاله پس از ارائه تعریف و ذکر اقسام عدم النفع ابتدا به بررسی این مساله، در حقوق ایران پرداخته و با استناد به اصول و قواعد کلی، مانند قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب، و بنای عقلا آن را قابل مطالبه دانسته است و سپس به قوانین مختلف ایران در این باره اشاره کرده و از تبصره ۲، ماده ۵۱۵، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب که به ظاهر خسارت عدم النفع را قابل مطالبه نمی داند تفسیری منطبق با اصول و قواعد کلی ارائه داده است. در پایان به بررسی خسارت عدم النفع در کنوانسیون پرداخته شده و برخی آراء محاکم را که با استناد به کنوانسیون صادر شده، نقل کرده و همچنین موارد سکوت ماده ۷۴ کنوانسیون را مورد اشاره قرار داده و نظر پیشنهادی مفسرین را در حل آنها ذکر کرده است.

در قانون جدید، امکان جبران خسارت معنوی پیشرفتی مهم محسوب می گردد، زیرا گاهی فشار روانی که وقوع یک جرم بر روحیه مجنی علیه بار می کند و جراحت ناشی از آن کم از خسارت مادی به بار آمده از آن نیست، و پسندیده نیست در عالم حقوق زبانی وارد شود و نادیده انگاشته شود. در رابطه با تبصره ۲ ماده ۱۴ شاید بتوان گفت ابهامی که در تعریف تعزیرات منصوص شرعی وجود دارد بدترین اتفاق ممکن است. همچنین نگاه قانونگذار به عدم النفع در برخی موارد که امکان وصول منفعتی به واقع شدن بسیار نزدیک است لکن مشمول عدم النفع است می تواند ضایع کننده حقی باشد. در مورد خسارت مازاد بر دیه با توجه به تفاوت آراء فقها و علمای حقوق در این راستا، حداقل بهتر بود قانونگذار تکلیف را مشخص و از صدور آرا متضاد جلوگیری می نمود، هر چند می توان گفت رویه جاری محاکم در حال حاضر نیز قابل جبران ندانستن خسارت مازاد بر دیه است.

۱. بیان مسئله

خسارات ناشی از جرم به این معنا است که جرمی به وقوع پیوسته و مجنی علیه (کسی که جرم علیه واقع شده) متحمل خسارتی شده است. خسارات ناشی از جرم به سه دسته زیانهای مادی (خسارت به جان و مال)، زیانهای معنوی (ضرر به حیثیت و آبرو) و عدم النفع تقسیم می شوند. خسارت عدم النفع زمانی به وقوع می پیوندد که مجنی علیه می تواند از طریق مشروع درآمدی به دست آورد؛ اما ارتکاب جرم از سوی مجرم باعث می شود تا او درآمد یا نفع مزبور را از دست

بدهد و از این طریق، متحمل خسارتی شود. ضرری که به شخص وارد می شود، ممکن است مادی یا معنوی باشد. ضرر مادی خود به دو نوع تقسیم می شود: نوع اول، از دست رفتن مال موجود یا خسارت مثبت و نوع دوم، تفویت منافع یا خسارت منفی که همان عدم النفع است. تصویب قوانین مهمی مانند قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، به دلیل اثری که نظام عدالت کیفری در سرنوشت جامعه و اعضای آن دارد، از تحولات قابل توجه و نقطه عطفی در نظام حقوقی به حساب می آید.

«شاکمی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید. منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود.»

۲. پیشنهاد تحقیق

در خصوص پژوهش حاضر کتاب، مقاله و پایان نامه هایی وجود دارد که به تمامی بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری به بررسی موضوع مورد بحث پرداخته اند.

در خصوص پژوهش حاضر کتاب، مقاله و پایان نامه هایی وجود دارد که به تمامی بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری به بررسی موضوع مورد بحث پرداخته اند.

۱. حسنی معظم، یاسین؛ (۱۳۹۱) شرایط طرح دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری، سایت دادگستری تهران.

در نظام های قضایی که دادگاههای حقوقی و کیفری در رسیدگی به دعاوی در صلاحیت خود به صورت تخصصی عمل می نمایند اصل بر این است که مرجع حقوقی به دعاوی مدنی و مرجع کیفری به دعاوی کیفری رسیدگی می نماید. اما گاهی مرجع کیفری به طور استثنایی امکان رسیدگی به دعوی حقوقی را پیدا می کند. به بیان دیگر در دعوی حقوقی، اصل بر مراجعه متضرر به دادگاه حقوقی است و رسیدگی مرجع کیفری به دعوی خصوصی امری استثنایی و

خلاف اصل می باشد که برای متضرر از جرم برای مراجعه به آن شرایط و محدودیت هایی به همراه دارد.

۲. سادات پاک نهاد، هدی؛ (۱۳۹۵) نحوه مطالبه خسارت های ناشی از جرم، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، ش ۶۵.

وقوع برخی جرایم، علاوه بر، برهم زدن نظم عمومی جامعه ممکن است به اشخاص نیز به طور مستقیم خساراتی وارد کند. در چنین شرایطی، شخص زیان دیده از جرم بعد از آن که به عنوان شاکی خصوصی، شکایت خود را در مراجع قضایی طرح کرد، حق دارد برای جبران خسارت و صدماتی که به طور مستقیم به واسطه ارتکاب جرم به او وارد شده است، از مقام قضایی، جبران خسارت را درخواست کند. چنانچه ضرر و زیان های مادی در نتیجه ارتکاب جرمی به وجود بیاید، شاکی خصوصی می تواند برای مطالبه آن به دادگاه، دادخواست ارائه دهد. خسارات ناشی از جرم به این معنا است که جرمی به وقوع پیوسته و مجنی علیه (کسی که جرم علیه واقع شده) متحمل خسارتی شده است. خسارات ناشی از جرم به سه دسته زیان های مادی (خسارت به جان و مال)، معنوی (ضرر به حیثیت و آبرو) و عدم النفع تقسیم می شوند. خسارت عدم النفع زمانی به وقوع می پیوندد که مجنی علیه می تواند از طریق مشروع درآمدی به دست آورد؛ اما ارتکاب جرم از سوی مجرم باعث می شود تا او درآمد یا نفع مزبور را از دست بدهد و از این طریق، متحمل خسارتی شود.

۳. عظیم زاده، شادی؛ (۱۳۹۵) از جبران خسارت ناشی از جرم علیه کودک تا نحوه ترمیم خسارات؛ با نگاهی تطبیقی به قوانین کشورهای اروپایی، آمریکایی و اسناد بین المللی مقاله ۲، دوره ۵، شماره ۱۷،

ارتکاب جرم علیه کودک، ضررهای مادی یا آزارهای جسمانی و در شرایطی خاص تألمات شدید روحی را برای او به بار می آورد که این تألمات موجب هتک حیثیت و آبروی کودک شده و در شرایط حاد، نارسایی و اختلال روانی کودک را سبب خواهد شد. مرحله ی صدور حکم یا تعیین مجازات باید با سازوکارهای جبران خسارت مادی و معنوی اعم از عاطفی و روانی همراه باشد که نه تنها، از ساده ترین و در عین حال برجسته ترین گونه های حمایت از بزه دیدگان است، بلکه، راه کاری جهت پیشگیری از تکرار بزه دیدگی و کاهش صدمات وارده به کودک و التیام بخشی آلام روحی و روانی او می باشد. جبران خسارت باید از سوی خود بزه کار و در صورتی که تحمیل آن بر بزه کار ممکن نباشد، از سوی دولت، بیمه و یا صندوق های خاص

تامین شود. آثار سازوکار جبران خسارت مستقیماً بر کودک بزه‌دیده تبلور می‌یابد و هر چه گسترده‌تر باشد از گسترش آسیب وارده در اثر ارتکاب جرم علیه کودک جلوگیری می‌کند. بنابراین، تعیین مجازات برای بزهکار کودک آزار با سازوکارهای ترمیم و جبران خسارت‌های وارده بر این بزه‌دیدگان از رابطه‌ی تنگاتنگ و حائز مطالعه‌ای برخوردار است.

۴. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵)، مطالعه تطبیقی جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی در ایران، اسلام و انگلستان، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

در حقوق ایران، جرم‌های مشمول جبران دولتی خسارت به طور دقیق احصاء نشده‌اند. قانون مجازات اسلامی تنها بخشی از جرایم علیه تمامیت جسمانی را تحت شرایطی مشمول جبران دولتی خسارت قرار داده است. این مطلب را می‌توان از مصادیق پرداخت دیه از بیت المال استنباط نمود. بررسی اجمالی رویه قضایی موجود نشان می‌دهد در مورد خسارت‌های ناشی از قتل با توجه به صراحت قانونی اختلاف نظر چندانی میان قضات وجود ندارد. اما در مورد صدمه‌ها و جراحات‌های وارده بر افراد قضات از رویه واحدی پیروی نمی‌کنند. برخی از قضات با تأکید بر مستندات فقهی و روایی بر این باورند که پرداخت دیه از بیت المال منحصر به قتل است و در جنایت بر عضو چنین مجوزی داده نشده است. در مقابل بعضی دیگر جبران دولتی خسارت بزه‌دیدگان در جنایات مادون نفس را نیز امکان‌پذیر می‌دانند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با بهره‌گیری از پیشینه فقهی، در مواردی شاهد نمونه‌هایی از جبران دولتی خسارت هستیم. از جمله در مواد ۱۵۶، ۳۳۳، ۳۳۴، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۳ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی که پرداخت دیه را برعهده دولت و بیت المال دانسته است. ظرفیتهای نهفته در قانون اساسی و نیز حمایت دولت و برخی نهادهای عمومی غیردولتی و جامعه مدنی از بزهکار معسر زندانی را بررسی نمودیم. در نظام حقوقی انگلستان نیز طرح مصوب ۲۰۰۱ حاکم است که اصول حاکم بر آن و شرایط استحقاق و درخواست خسارت را نیز بررسی نمودیم. در نظام حقوقی ایران، برخلاف انگلستان مقررات مدون و شفافی در مورد جبران دولتی خسارت وجود ندارد. تنها واحد دیه وزارت دادگستری است که کارایی کافی ندارد.

۵. گرم‌ابی، مهدیه (۱۳۹۰)، حقوق بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

ظهور جنبش های بزه دیده شناسی در دهه های اخیر و تأثیرگذاری آنان در کاهش جرایم، موجب شد که چشم انداز جدیدی تحت عنوان «حمایت از بزه دیدگان» مورد توجه جرم شناسان قرار گیرد. ضرورت حمایت از بزه دیدگان، گستره مبانی مستحکم و ارزشی این اندیشه نوین، سازمان های بین المللی را وادار نمود که در اندک زمانی طرح حمایت از بزه دیدگان جرایم را در اسناد و کنوانسیون های بین المللی به تصویب رسانده و دول عضو را ملزم به اجرای آن نماید. قانون گذار ایران نیز با الهام از فرهنگ دینی و ارزشی حاکم بر جامعه نمونه های حمایت از بزه دیدگان را در قوانین مطرح نموده و اصولی را برای اجرای آن در نظر گرفته است. ضرورت حمایت از بزه دیدگان جرم و نقش آن در تحقق عدالت اجتماعی بر کسی پوشیده نیست، اما آن چه که در این زمینه مهم و راهگشا می باشد اولاً، شناسایی و اولویت بندی نیازهای اساسی بزه دیدگان است و پس از آن آرایه را هکار و اتخاذ سیاست های کاربردی در راستای حمایت از بزه دیدگان است.

۶. سکوتی نسیمی، رضا؛ (۱۳۹۰)، جایگاه عدم النفع در نظام حقوقی ایران، مقاله ۵، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۷۹-۹۸

زندگی پیچیده اجتماعی روابط حقوقی مختلفی را پدید می آورد. از جمله این روابط، مسؤولیت حقوقی یک شخص در برابر شخص دیگر است. مسؤولیت فوق گاه در نتیجه تخلف از ایفای تعهد قراردادی به-وجود می آید و گاه به صرف خسارتی که شخص به دیگری وارد کرده است، مطرح می شود ضروری که در نتیجه فعل یا ترک فعل زیان آور به شخص وارد می شود ممکن است مادی یا معنوی باشد. ضرر مادی نیز خود بر دو قسم است: از دست- دادن مال یا محروم ماندن از نفع که بیشتر تحت عنوان «عدم النفع» مورد بحث واقع می شود و از اهمیت بسزایی برخوردار است. دلیل این اهمیت آن است که اگر چه این دسته از خسارات بخش وسیعی از ضررهای وارده بر شخص را تشکیل می دهند، اما از یک سو در قابلیت مطالبه آن مباحث فراوانی وجود دارد و از سوی دیگر قانون-گذار در برهه-های زمانی مختلف واکنش-های متعددی را در برابر آن ابراز کرده است. بر این اساس و با توجه به اینکه پیرامون عدم النفع مسائل متعددی قابل طرح است که در عرصه قوانین به آنها اشاره نشده است، از جمله اقسام عدم النفع، تفکیک آن از تفویض منفعت و نظایر آن، در تحقیق حاضر سعی شده است مهم ترین مباحث شکافته شود و مورد تحلیل علمی قرار گیرد.

۳. فرضیه های تحقیق

۳-۱. فرضیه اصلی

به نظر می رسد که؛ منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود.

۳-۲. فرضیات فرعی

- به نظر می رسد که؛ اصل بر این است که برای طرح ادعای خصوصی، متضرر از جرم باید مهلت ها و تشریفات را رعایت کند.
- به نظر می رسد که؛ دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

۴. روش تحقیق

شیوه تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی می باشد. بدین ترتیب که ابتدا مفاهیم مربوط به بررسی عدم النفع در دعاوی خسارت مالی و معنوی ناشی از جرم با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ و علل و پیامدهای آن و تدابیر حمایتی پیرامون ضمانت اجرای دعاوی خسارت ناشی از جرم بیان شد و سپس به تحلیل و تشریح محتوای قوانین کیفری داخلی خواهیم پرداخت. منابع اصلی شامل؛ پایان نامه ها، کتب و مقالات می باشد و منابع فرعی شامل: روزنامه ها، مجلات موجود در کتابخانه ها و اینترنت بوده که مورد بررسی و استفاده قرار گرفته اند.

تعاریف:

جرم در لغت به معنای گناه و بزه می باشد. و در اصطلاح در کنش های مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی تعیین شده باشد جرم نام دارد. در فرهنگ دهخدا جرم به معنی گناه و تعدی آمده است .

هر جرمی که واقع می‌شود می‌تواند واجد دو جنبه عمومی و خصوصی باشد، جنبه عمومی که دادستان متولی اعاده مجدد نظم از دست رفته آن می‌باشد، نافع به حال تمام اجتماع و مظهری از اعمال حاکمیت است، جنبه خصوصی اما اعاده کننده حق متضرر مستقیم از جرم خواهد بود. جنبه خصوصی بلاشک واجد دو وجه فرعی می‌باشد یکی خسارات مادی ناشی از جرم و یکی خسارات معنوی ناشی از جرم. خسارات معنوی که تا سالها مورد بی‌مهری قانونگذار قرار گرفته صراحتاً قابل جبران دانسته نشده بود ولی در حال حاضر در قانون جدید آیین دادرسی کیفری در اقدامی پسندیده بدان پرداخته شده است.

۴-۱. عدم النفع

ضرری که به شخص وارد می‌شود، ممکن است مادی یا معنوی باشد. ضرر مادی خود به دو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول، از دست رفتن مال موجود یا «خسارت مثبت» و نوع دوم تفویت منافع یا «خسارت منفی» که همان «عدم النفع» است. برخی مؤلفان حقوقی در تعریف آن می‌گویند: ممانعت از وجود پیدا کردن منفعتی که مقتضی آن حاصل شده است، مانند توقیف غیرقانونی شاغل به کار، که موجب حرمان او از گرفتن مزد شود.^۱

۴-۲. اقسام عدم النفع

عدم النفع به لحاظ متعلق آن، به دو قسم تقسیم می‌شود: عدم النفع «قطعی الحصول» و عدم النفع «محتمل الحصول».

۴-۲-۱. عدم النفع قطعی الحصول

عبارت است از فوت شدن منفعتی که هر گاه، فعل زیان زننده نبود، محققاً آن منفعت به متضرر می‌رسید و فعل مزبور، سبب منحصر نرسیدن منفعت شده است. به عبارت دیگر، مقصود آن است که بر حسب جریان عادی امور، در صورتی که نقض عهد یا فعل ضرری یا تقصیرآمیز نمی‌بود، منفعت حاصل می‌شد؛ مثلاً، چنانچه کسی مانع حرکت اتومبیل تاکسی فردی شود، و او را از کار

^۱ جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۴

^۲ امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج، ۱. ص ۴۰۷

کردن و تحصیل پول باز دارد. و همچنین هر گاه، کسی کارگری را بازداشت نماید و او را از کار روزانه باز دارد، مانع از رسیدن مزد یعنی منفعت محقق او، شده است.^۲

۴-۲-۲. عدم النفع محتمل الحصول

عدم النفع محتمل الحصول عبارت است از فوت شدن منفعتی که هر گاه فعل خاصی نبود، این احتمال وجود داشت که سودی عاید طرف گردد. مثل اینکه، رساننده نامه ای که در آن اعلان مزایده ملک می مرقوم شده است، نامه را دیر به دریافت کننده برساند و او در مزایده شرکت نکند و سپس وی مدعی شود که اگر نامه رسان، نامه را زود می رساند او در مزایده شرکت کرده و برنده می شد و سود هنگفتی عاید او می گردید. این قسم عدم النفع، قابل مطالبه نیست، زیرا، رابطه سببیت بین فعل و عدم پیدایش منفعت موجود نیست و بر فرض هم که فعل ایجاد می شد، احتمال داشت منفعت حاصل نشود.

۴-۳. عدم النفع در فقه

برای بررسی قابل مطالبه بودن عدم النفع، در فقه، ابتدا به قواعد و اصول فقهی قابل استناد در این رابطه می پردازیم. قواعد و اصول کلی که در حجیت عدم النفع مورد استناد واقع شده عبارتند از: صدق عنوان ضرر، «اتلاف»، «تسبیب» و...

۴-۳-۱. صدق عنوان ضرر

در صورتی می توان، حکم به قابل مطالبه بودن عدم النفع داد که احراز شود عدم النفع، ضرر محسوب می شود. در این رابطه، برخی فقیهان در صدق ضرر بر عدم النفع ابراز تردید نموده اند.^۱

۴-۳-۲. قاعده اتلاف و تسبیب

استناد به این قاعده بر ای جبران عدم النفع در صورتی صحیح است که به عدم النفع، مال صدق کند. برخی از فقیهان و مؤلفان حقوقی، با این ادعا که عنوان مال بر عدم النفع، صادق نیست، استناد به قاعده «اتلاف» «اتلاف» و «تسبیب» را بر ای قابل جبران دانستن آن صحیح

^۱ الفقیه، محمدتقی، قواعد الفقه، ج دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۷ ه. ق. ۱۹

نمی‌دانند. به نظر آنها، مال چیزی است که فعلا موجود باشد، ولی عدم التفع مال نیست، بلکه «محروم شدن از کسب مال» است.^۱

۴-۴. بررسی رویکرد قانون جدید آیین دادرسی کیفری به خسارات قابل جبران

به دلیل اثری که نظام عدالت کیفری در سرنوشت جامعه و اعضای آن دارد، از تحولات قابل توجه و نقطه عطفی در نظام حقوقی به حساب می‌آید. حجم بالای مواد این قوانین، کاربران قانون (مانند قضات، وکلا، اساتید) را با دشواری همراه می‌کند؛ گو اینکه برخی، حوصله مطالعه قانون یا مطالعه دقیق آن را ندارند و برخی نیز تنها آنچه را برای وظایف آنها مهمتر است، در اولویت مطالعه قرار می‌دهند و از سایر قسمت‌ها می‌گذرند! خوشبختانه قانون آیین دادرسی کیفری، فرصت شش ماهه ای را برای اجرایی شدن خود پیش بینی کرده و فرصتی به دست داده تا از آن، برای بحث و تبادل افکار، معلوم کردن موارد تعارض یا تضاد، رفع ابهام و تصویب آیین نامه های اجرایی استفاده شود. قوانین مورد اشاره، دارای ابعاد مدنی نیز هستند و از این رو، در فرصت های آتی، تحقیقات فقهی - حقوقی در این خصوص را دنبال خواهیم کرد؛ اما در اولین اقدام، لازم است نگرشی کلی به بحث دعوای خسارت ناشی از جرم، با نقد ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری داشته باشیم.

۴-۵. اصل جبران کامل خسارت

هر جرمی که واقع می‌شود می‌تواند واجد دو جنبه عمومی و خصوصی باشد، جنبه عمومی که دادستان متولی اعاده مجدد نظم از دست رفته آن می‌باشد، نافع به حال تمام اجتماع و مظهری از اعمال حاکمیت است، جنبه خصوصی اما اعاده کننده حق متضرر مستقیم از جرم خواهد بود.

۴-۶. منافع ممکن الحصول

تفکیک بی سبب ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ از سه قسم خسارت «مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول» یاد می‌کند.

^۱ رشتی، حبیب‌الله، فقه الامامیه، مقرر سید محمد کاظم خلخالی، مکتبه الداوری، ج ۱، ۸، ق.ص ۲۱

۴-۷. تعریف ضرر معنوی

مطابق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و ... ناشی از جرم را مطالبه نماید و تبصره ۱ این ماده، زیان معنوی را تعریف نموده و بیان داشته که "زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی و خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی به رفع زیان به طرق دیگر از قبیل اقدام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید." برای تقویم خسارت مالی زیان معنوی، دادگاه می‌تواند با اخذ نظر کارشناس به نحوی که در این تبصره آمده اقدام نماید.

۴-۸. چگونگی جبران خسارت معنوی

اگرچه نظام حقوقی ایران نظامی یکپارچه است لیکن رهیافت‌ها در دو مقوله حقوقی و مقوله کیفری می‌تواند متفاوت باشد. در حقوق مدنی ایران، عموماً قانونگذار کمترین امکان دخالت را در امور حقوقی برای حکومت برقرار می‌سازد و بیشتر تلاش می‌نماید تا تنظیم روابط میان اشخاص در امور مدنی را به ایشان واگذار نماید؛ در حالی که در امور کیفری کوشش بر استفاده از قدرت قاهره حکومت، هر چه بیشتر و موثر تر، برای تنظیم روابط میان اشخاص جهت نیل به نظم و عدالت متمرکز است.

۴-۸-۱. مطالبه خسارات با استفاده از حقوق کیفری (ممکن الحصول)

در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، منافع ممکن الحصول تصریح شده است. دکتر آخوندی بر این باور است که اگر ممکن در برابر محال و در نتیجه ممکن الحصول در مقابل ممتنع الحصول قرار گیرد، قلمرو این نوع ضرر و زیان بطور غیرمعقول گسترش می‌یابد. زیرا هر آنچه که محال و ممتنع نباشد، لاجرم ممکن خواهد بود.^۱ در نتیجه امکان دارد که شخص در یک زمان معین و محدود موقعیت‌های مناسبی بدست آورد و منافع سرشاری تحصیل کند

^۱ آخوندی، محمود (۱۳۹۳)، شناسای آیین دادرسی کیفری، دفتر اول: کلیات و دعاوی ناشی از جرم، تهران، دور اندیشان، ص ۵۳.

۴-۸-۲. خصوصیت مطالبه منفعت ممکن الحصول

قرائت توأمان ماده ۱۴ ق.د.ک. و مواد ۱۷؛ ۱؛ ۲؛ صدر ماده ۸ همین قانون^۳، ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب^۴ و پیش و پیش از آن عنوان قانون، "قانون آیین دادرسی کیفری" و همچنین دلالت ماده ۲ آئین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و استفاده از واژگان "شاکی" و "جبران تمامی ... منافع ممکن الحصول ناشی از جرم" در ماده ۱۴، مبین آن است که این ماده و تبعاً تبصره ۲ آن صرفاً و منحصرأ در ارتباط با امور کیفری و در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم یا تلف منافع ممکن الحصول ناشی از جرم است.

^۱ ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری "دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می نماید".

^۲ ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری. "آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می شود".

^۳ محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

^۴ ماده ۴ ق.د.ک. "هر حوزه قضایی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعبه به حقوقی و جزایی تقسیم می شوند. دادگاه های حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاه های جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود و ..."

^۵ ماده ۲ آئین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب "از تاریخ تخصیص شعب دادگاههای عمومی و انقلاب به دادگاههای حقوقی و جزایی رسیدگی به دعوای و شکایات مطابق مقررات خواهد بود

۴-۹. بررسی رویکرد قانون جدید آیین دادرسی کیفری به خسارات قابل جبران
تصویب قوانین مهمی مانند قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، به دلیل اثری که نظام عدالت کیفری در سرنوشت جامعه و اعضای آن دارد، از تحولات قابل توجه و نقطه عطفی در نظام حقوقی به حساب می آید.

۴-۱۰. منافع ممکن الحصول

تفکیک بی سبب ماده ۱۴ قانون از سه قسم خسارت «مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول» یاد می کند. تبصره ۲ ماده ۱۴ برای روشن کردن قسم اخیر مقرر می دارد: «منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید».

۴-۱۰-۱. ابهام در قلمرو خسارت معنوی و ممکن الحصول

قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون، در حکمی قابل انتقاد و شتاب زده بیان می کند: «همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود».

۴-۱۰-۲. تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی

تجدید نظر خواهی یا فرجام خواهی طرفین درباره ضرر و زیان ناشی از جرم، مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است. البته تجدید نظر خواهی یا فرجام خواهی اگر از سوی کسی باشد که حکم علیه وی صادر شده است (محکوم علیه) و همزمان و توأمان در مورد محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از آن انجام شود، در این صورت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی در امر حقوقی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

۴-۱۱. جبران خسارت ناشی از صدمات جانی

در پرداخت خسارات جانی در «فقه» و «حقوق ایران» محوریت با «دیه» است. «دیه» مبلغ معینی است که به زیان دیده پرداخت می شود. برخی گفته اند، دیه تاسیس حقوقی است که

تفکیک مسئولیت کیفری و مدنی در آن لحاظ نشده و لذا از برخی لحاظ دارای ماهیت مسئولیت کیفری است و از جهتی دیگر، طبیعت «مسئولیت مدنی» و جبران خسارت را دارد.^۱

۴-۱۲. مقررات قانونی، خسارت های معنوی

اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی، مواد ۲، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۲ که هنوز اجرایی نشده است، بر اصل قابلیت پذیرش مطالبه خسارت معنوی صحه می گذارد. مطالبه خسارت معنوی در فقه اسلامی نیز دارای مبنای شرعی است.

نتیجه گیری

در قانون جدید، امکان جبران خسارت معنوی پیشرفتی مهم محسوب می گردد، زیرا گاهی فشار روانی که وقوع یک جرم بر روحیه مجنی علیه بار می کند و جراحات ناشی از آن کم از خسارت مادی به بار آمده از آن نیست، و پسندیده نیست در عالم حقوق زیانی وارد شود و نادیده انگاشته شود. در رابطه با تبصره ۲ ماده ۱۴ شاید بتوان گفت ابهامی که در تعریف تعزیرات منصوص شرعی وجود دارد بدترین اتفاق ممکن است. همچنین نگاه قانونگذار به عدم النفع در برخی موارد که امکان وصول منفعتی به واقع شدن بسیار نزدیک است لکن مشمول عدم النفع است می تواند ضایع کننده حقی باشد. در مورد خسارت مازاد بر دیه با توجه به تفاوت آراء فقها و علمای حقوق در این راستا، حداقل بهتر بود قانونگذار تکلیف را مشخص و از صدور آرا متضاد جلوگیری می نمود، هر چند می توان گفت رویه جاری محاکم در حال حاضر نیز قابل جبران ندانستن خسارت مازاد بر دیه است.

چنانچه ضرر و زیان های مادی در نتیجه ارتکاب جرمی به وجود بیاید، شاکی خصوصی می تواند برای مطالبه آن به دادگاه، دادخواست ارایه دهد. خسارات ناشی از جرم به این معنا است که جرمی به وقوع پیوسته و مجنی علیه (کسی که جرم علیه واقع شده) متحمل خسارتی شده است. خسارات ناشی از جرم به سه دسته زیان های مادی (خسارت به جان و مال)، معنوی

^۱ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری مسئولیت مدنی، غضب و استیفاء، انتشارات دانشگاه

(ضرر به حیثیت و آبرو) و عدم النفع تقسیم می شوند. دادخواست جبران و مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرم، می تواند همزمان با طرح پرونده در دادگاه کیفری یک و یا دادگاه کیفری دو، حسب مورد به دادگاه کیفری تقدیم شود و یا پس از صدور حکم بدوی کیفری، مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرم، به دادگاه حقوقی صالح تقدیم شود. اما موضوعی که قابل طرح است اینکه چه نوع خسارت هایی خسارت معنوی نامیده می شوند و چگونه می توان ورود خسارت معنوی را به اثبات رساند. دادخواست مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرم، که به دادگاه حقوقی تقدیم می شود، دارای ویژگیهای یک دعاوی غیر مالی است. منابعی که در قوانین ایران، امکان مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرم را امکان پذیر نموده اند، اعم از قانون اساسی به عنوان منشور ملی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مسوولیت مدنی و فقه است که منبعی برای حقوق ایران قلمداد می شود. علاوه بر این، رویه قضایی در سالهای اخیر در محاکم کیفری و حقوقی ایران، مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرم را پذیرفته و به آن پرداخته اند. وقوع برخی جرایم، علاوه بر، برهم زدن نظم عمومی جامعه ممکن است به اشخاص نیز به طور مستقیم خساراتی وارد کند. در چنین شرایطی، شخص زیان دیده از جرم بعد از آن که به عنوان شاکی خصوصی، شکایت خود را در مراجع قضایی طرح کرد، حق دارد برای جبران خسارت و صدماتی که به طور مستقیم به واسطه ارتکاب جرم به او وارد شده است، از مقام قضایی، جبران خسارت را درخواست کند. چنانچه ضرر و زیان های مادی در نتیجه ارتکاب جرمی به وجود بیاید، شاکی خصوصی می تواند برای مطالبه آن به دادگاه، دادخواست ارایه دهد. خسارات ناشی از جرم به این معنا است که جرمی به وقوع پیوسته و مجنی علیه (کسی که جرم علیه واقع شده) متحمل خسارتی شده است. خسارات ناشی از جرم به سه دسته زیان های مادی (خسارت به جان و مال)، معنوی (ضرر به حیثیت و آبرو) و عدم النفع تقسیم می شوند. دادگاه علاوه بر تکلیف رسیدگی به اتهام مطروحه وظیفه دارد در صورت درخواست مجنی علیه مبنی بر جبران خسارات وارده به آن تقاضا نیز رسیدگی کند.

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری- اندیشه ها، جلد ۴، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد..
۲. آخوندی، محمود، (۱۳۸۶)، آیین دادرسی کیفری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول، چاپ دوازدهم.
۳. الفقیه، محمدتقی، (۱۴۰۷) قواعد الفقه، چ دوم، بیروت، دارالاضواء.
۴. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج، ۱. ص ۴۰۷
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، چ هشتم، گنج دانش، ذیل واژه مسئولیت مدنی .
۶. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۵)، «از جبران خسارت بزه دیده توسط بزه کار تا جبران خسارت توسط دولت»، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۹۵.
۷. حسنی معظم، یاسین؛ (۱۳۹۱) شرایط طرح دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری، سایت دادگستری تهران.
۸. رشتی، حبیب ا...، (۱۳۸۷) فقه الامام یه، مقرر سید محمد کاظم خلخالی، مکتبه الداوری، چ ۱، ۸ ق.
۹. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری مسئولیت مدنی، غضب و استیفاء، انتشارات دانشگاه تهران، ۲ جلد در یک مجلد، چاپ چهارم.
۱۰. گرمایی، مهدیه (۱۳۹۰)، حقوق بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مهر.